

---

## مبانی نظری و مؤلفه‌های سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

---

محمد قربانی مقدم<sup>۱</sup>

### چکیده

اقتصاد و سبک زندگی، به ترتیب توصیه‌های شماره سه و هفت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. از این گذشته در جای جای این بیانیه مهم، از این دو مقوله نیز سخن به میان آمده که نشانگر نقش کلیدی آن‌ها در تحقق اهداف گام دوم انقلاب است. از سوی دیگر تحقق تمامی اهداف انقلاب اسلامی بدون جهاد و مقاومت ممکن نیست. از این رو رهبر انقلاب در سالهای اخیر و مخصوصاً در بیانیه گام دوم، بر اقتصاد مقاومتی تأکید زیادی کرده‌اند. در این مقاله جمع بین این سه مقوله (اقتصاد، مقاومت، سبک زندگی) مورد بررسی قرار گرفته و مولفه‌های لازم برای تحقق سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. طبق بررسی انجام شده از آیات متعددی که در مورد جهاد در قرآن کریم وجود تمامی آیات به استثنای یک مورد جهاد اقتصادی، مقدم بر گونه‌های دیگر جهاد شمرده شده است. در این مقاله، از میان ۱۲ راهکار و مؤلفه‌ای که در تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر

---

۱. مدیر گروه فقه و اصول جامعة المصطفی واحد اصفهان erezaei@ymail.com

دارند، چهار نمونه بازشناسایی، تأکید و مورد توضیح قرار گرفته که عبارتند از: فهم جهاد اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف، قناعت و توجه به نقش تقوا و معنویت در مقاوم‌سازی اقتصاد. در این نوشتار اثبات خواهد شد که اقتصاد مقاومتی بسان ستون فقرات دفاع ملی و سازوکاری در جهت افزایش سطح مقاومت هوشمندانه محسوب می‌شود. این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته مبتنی بر آیات، احادیث و رهنمودهای رهبری امت، قرار گرفته است و سعی شده از مفاهیم انتزاعی صرف، اجتناب گردد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، سبک زندگی، بیانیه گام دوم، تولید ملی، حق، باطل.

## مقدمه

در بیانیه گام دوم اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده معرفی شده است. اقتصاد قوی، به عنوان نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور و اقتصاد ضعیف، به مثابه نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان اعلام گردیده است. این به این خاطر است که فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. این درست است که اقتصاد هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.

از سوی دیگر رسیدن به اهداف والای انسانی بدون تلاش، جهاد و مقاومت جدی ممکن نیست. زیرا اساساً انسان با دشمنش پا به روی زمین گذاشت و از همان اولین روزها، جنگی تمام عیار میان آنها آغاز گشت. اصلاً قبل از آن که آدمی آفریده شود، فرشتگانی که خبر پدید آمدن گونه جدیدی از مخلوقات بر روی زمین را شنیدند، پیش‌بینی کردند منازعه نفس‌گیری در پیش روی این تحفه جدید قرار دارد.

ماجرای آن‌جا آغاز شد که انسان به عنوان خلیفه و جانشین الهی بر روی زمین انتخاب شد و سایر بندگان الهی مکلف به حفظ احترام او و سجده به پیشگاه وی شدند. در این میان همه پذیرا شدند جز موجود سابقاً بنده‌ای که از این دستور سرپیچی کرد و رانده درگاه الهی شد. همین کینه سبب شد تا جناب ابلیس از خدای سبحان فرصت بخواهد برای انتقام و تلافی عقب ماندگی از رقیب جدیدش و این‌گونه تا مدت زمان معلومی فرصت نبردی پیدا کرد تا انسان به آنچه به خاطرش از او پیشی گرفت نرسد؛ ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ \* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ \* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ \* قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (ص/ ۷۹ - ۸۲).

توجه به سه مقدمه حساسیت این مصاف نفس‌گیر را روشن‌تر می‌کند و راه‌گشای حل مسائل مسائل خواهد بود:

ابلیس (که به خاطر مزاحمتش برای نوع انسان، شیطان نیز نامیده می‌شود) نیروهای

کمکی زیادی دارد که از پتانسیل همه آن‌ها استفاده کرده و آن‌ها را به میدان مبارزه با انسان فرا می‌خواند هرچند خودشان از طایفه بنی‌بشر باشند. در سوره انعام آیه ۱۱۲، به خوبی از ارتباطات پنهان و آشکار شیطان‌های انسانی و جنی پرده برداشته و چنین می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾؛ اینچنین در برابر هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیاطین انسانی و جن. آن‌ها برای فریب مردم، سخنانی (به ظاهر) زیبا به یکدیگر القا می‌کنند.

ابلیس از اینان حزبی ساخته و همه کسانی که در اثر غفلت از خدا زمینه شیطانی شدن را پیدا کرده‌اند به عضویت آن در می‌آورد:

﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (مجادله/۱۹).

آیه ۲۷ سوره اعراف علاوه بر افشای فعالیت‌های قبیله‌ای شیطان صفت، به نحوه عضوگیری شیطان در حزب خود اشاره کرده و نیز خبر از توانایی‌های خاص آن‌ها در این کارزار می‌دهد: ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾

حزب شیطان برنامه‌ها و اهداف کوچک و بزرگی در تمامی ابعاد و ساحت‌های انسان تدوین کرده تا به هدف نهایی برسد. یعنی زمینه دوری انسان از هدف آفرینشش که عبارت است از: رسیدن به کمال و سعادت الهی و در پرتو رهبری ولی الهی، فراهم سازد.

﴿قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ\* ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمُ مِنَ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ (اعراف/۱۷).

چهار طرف آدمی مورد تهاجم شیطان است. چنانچه ملاحظه می‌شود این آیه رجز خوانی ابلیس در برابر خدای سبحان است که به تلافی برتری بخشیدن به انسان صورت می‌گیرد. در این جا شیطان اعلام می‌دارد که از چپ و راست و نیز پس و پیش انسان بدو حمله می‌کند تا بنده‌های شاکری نباشند. حال سؤال این جاست که این جهات مختلف به



چه معناست؟ شیطان چه می‌خواسته بگوید؟ آنچه مسلم است وی می‌خواسته جنگی همه‌جانبه علیه انسان را اعلام کند به نحوی که هیچ حوزه از ابعاد زندگی انسانی از آن خالی نباشد. به عبارت دیگر انسان در هیچ ناحیه‌ای خود را از دسترس ابلیس و هجمه‌ها و برنامه‌های شیطانی او دور نداند. اگرچه خود شیطان از توضیح بیشتر در این رابطه خودداری کرده است اما بنابر نظر برخی مفسرین و نیز مطابق پاره‌ای آیات و روایات رؤوس این برنامه در چهار جهت اصلی عبارتند از:

الف) حوزه فکری و عقیدتی. ب) حوزه گرایش‌ات نفسانی. ج) حوزه اقتصاد. د) حوزه تعصبات فردی و گروهی - اجتماعی.<sup>۱</sup>

مقدمه سوم آن است که بدانیم یکی از هنرهای شیطان، ایجاد نزاع و درگیری بین انسان‌هاست. یعنی وی از هرگونه فرصتی استفاده می‌کند تا بین انسان‌ها درگیری ایجاد کرده و خود در کناری بنشیند و نظاره‌گر درگیری تمام انسانی مدنظر خویش باشد. بر همین اساس است که قرآن کریم دستور می‌دهد باید انسان‌ها مراقب باشند تا زمینه بهره‌برداری شیطان و سوء استفاده او ایجاد نشود. مثلاً می‌فرماید از سخنان شبه‌زا و دوپهلوی در مواجهه با دیگران پرهیزند تا شیطان نتواند از آن وسوسه‌ای در جهت ایجاد دشمنی بسازد:

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾  
(اسراء/۵۳)

نیز آمده است: ﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ (انعام/۱۲۱)؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به چالش برخیزند و اگر از آن‌ها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود!

خلاصه این سه مقدمه عبارت است از این که بدانیم نبرد جبهه حق و باطل نبردی به وسعت تمام تاریخ است و باطلیان از هر راهی برای ضربه زدن به انسان کمک می‌گیرند حتی

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ص ۵۲۱ و ۵۲۲

اگر شده از انسان‌های دیگر. این نیز نباید فراموش گردد که گمراهی‌های شیطان تنها به صورت وسوس فردی نیست. یعنی وقتی شیطان حزب و قبیله تشکیل می‌دهد و به تعبیر دیگر به سازماندهی نیروهایش می‌پردازد، می‌رساند که وی نگاه کلان‌تری نسبت به اضلال انسان داشته و به گمراهی جمعی و نوع انسان می‌اندیشد. (این را می‌توان از گفته خود وی که همتش بر گمراهی تمام انسان‌ها به جز مخلصین استوار شده (اعراف/ ۱۷) هم فهمید.) این جاست که در مقابل حزب شیطان، حزب الله تأسیس شده (مائده/ ۵۶) نزاع بین انسان و شیطان از حالت فردی خارج شده و به صحنه اجتماع و سیاست نیز کشیده می‌شود.

بنابراین بحث جهاد اقتصادی و یا به تعبیر خاص‌تر اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر دیدگاهی واقع‌گرایانه است. یعنی حوزه اقتصاد، از بارزترین میدان‌های جدال تاریخی و کلاسیک شیطان (رانده شده درگاه الهی و حزب و قبیله‌اش) با انسان (جانشینان الهی بر روی کره زمین) به شمار می‌رود. در سفارشات و توصیه‌های پیشوایان توانایی خارق العاده اقتصاد برای ایفای نقش ابزاری نیرومند پیاپی تأکید شده و به مسلمین و پیشوایانشان دستوراتی در جهت خنثی‌سازی آن گفته شده است. این که اقتصاد به‌عنوان عنصری تعیین‌کننده در جهت اهداف شیطانی در هر دو جهت سلبی و ایجابی لحاظ شده است. به‌طور نمونه در جهت سلب آمده است: اگر فقر و نداری بر افرادی غلبه کند منجر به کفر آن‌ها خواهد شد: **كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا**<sup>۱</sup>. نیز در جهت ایجابی آمده است: **أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَىٰ مُوسَىٰ ﷺ يَا مُوسَىٰ ﷺ لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ ... فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الدُّنُوبَ**<sup>۲</sup>؛ خدای عزوجل به حضرت موسی وحی کرد: ای موسی! به زیادی مال خوش حال مباش که که مال زیاد گناهان را از یاد می‌برد. نیز در روایتی دیگر آمده است که موجب از بین رفتن

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۳۰۷.

۲. همان، ص ۴۹۷.

دین و قساوت قلب خواهد شد.<sup>۱</sup> همچنین در قرآن کریم آمده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْفُرُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳۴). این نکته می‌رساند که اقتصاد چه به شکل دارایی و چه به شکل نداری مجال و فرصت خوبی به دشمن انسان می‌دهد تا در جهت دوری انسان از سعادتش به کار گرفته شود. با توجه به نکاتی که بیان شد، شاید نیازی هم نباشد تا یادآوری کنیم در این‌گونه بزنگاه‌ها شیطان تمام امکانات خود و هم پیاله‌های حزبش را ولو در خلقت نامشان انسان باشد را به کار می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان حدس زد که در اقتصاد جریان‌اتی شکل بگیرد که اهداف شیطانی را تحقق بخشد. با این تفاسیل می‌توان حدس زد که اگر جریان باطل در ضربه زدن به حریف دیرینه‌اش از راه جنگ و جدال به مقصود نرسد، رو به تهاجم فرهنگی می‌آورد. و اگر در این راستا به توفیق نهایی دست پیدا نکند مجبور می‌شود تغییر تاکتیک دهد و هم و غم خود را در جهت فشار اقتصادی متمرکز سازد و یا این‌که تهاجم اقتصادی را به روش‌های قبلی اضافه کند.

اگر بناست یک دفاع ملی همه‌جانبه در برابر این تهاجمات پی‌ریزی گردد، بدون تردید باید به مقاوم‌سازی ستون فقرات آن یعنی اقتصاد پرداخت. با ستون فقرات فقیر نمی‌توان ایستاد، چه برسد قیام و یا دفاع کرد. جالب اینجاست که این ابزار مهم دفاعی یعنی اقتصاد مانند رگ و ریشه در تمامی آحاد جامعه چنان ریشه دوانده که قطعاً هیچ کس نمی‌تواند دست خود را از آن خالی بداند. درحالی‌که ابزارهای دفاعی دیگر معمولاً نمی‌توانند این قدر گسترده و به صورت واقعاً ملی و همه‌جانبه قرار گیرند تا بتوان از ظرفیت یکایک مردم استفاده کرد.

با این توضیحات به نظر می‌رسد که نظریه اقتصاد مقاومتی که توسط امام خامنه‌ای مطرح می‌شود در چه راستا و بر اساس چه دیدگاهی شکل گرفته است:

۱۰. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۹.

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آن‌ها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند.<sup>۱</sup>

همچنین ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب پس از برشمردن مشکلات اقتصادی کشور راه‌حل تمامی آن‌ها را سیاست‌های اقتصاد مقاومتی معرفی می‌کنند که لازم است با تدوین برنامه‌های اجرائی برای همه بخشهای آن، به حل مشکلات ممکن‌الارتفاع کشور پرداخت. لکن پیش‌نیاز همه آن‌ها یا شرط لازم حل شدن کامل آن‌ها اصلاح سبک زندگی در حوزه‌های گوناگون مخصوصاً در حیطه اقتصاد است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم و در آخرین بند آن با اشاره تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران زیادی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصادی بر آن مترتب دانسته و برای مقابله با آن، همگان را به جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه دعوت کرده‌اند. جهادی که چشم‌امید در آن (مانند بخشهای دیگر بیانیه) به جوانها است.

به همین منظور و در جهت تبیین شاخصه‌های سبک زندگی در حوزه اقتصاد مقاومتی نگاهی گذرا به مبانی نظری اقتصاد مقاومتی پرداختیم و در آینده و پس از طرح موضوع، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را از نظر خواهیم گذراند.

## ۱. تعریف اقتصاد مقاومتی

پیش از هرچیز باید منظور از اقتصاد را روشن کنیم. به نظر می‌رسد که بتوان اقتصاد را

چنین تعریف کنیم: فعالیت‌های مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر طبق اصول و قوانینی که در عرف و قانون شناخته شده است. اما مقاومت نیز معنای روشنی دارد؛ ایستادگی بر اصول ارزشها در مقابل فشارهایی که از بیرون و درون بر زیر پا نهادن آنها وارد می‌شود. بر این می‌توان اقتصاد مقاومتی را این‌طور تعریف کرد: «مدیریت روابط مالی در جهت مقابله با جبهه شیطان و استکبار جهانی».

با این بیان روشن می‌شود که اقتصاد مقاومتی به معنای انزوا و خزیدن در لاک تنهایی نیست. بلکه به رسمیت شناختن اقتصاد است به عنوان یکی از خاک ریزهای اساسی در مقابله با دشمنان. به تعبیر دیگر می‌توان اقتصاد مقاومتی را، مدیریت اقتصاد، در جهت رشد و تکامل امت نمونه، و خارج ساختن آن از ابزاری در دست شیطان می‌باشد. امام خامنه‌ای می‌فرماید:

اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند.<sup>۱</sup>

تمرین این مقاومت موجب می‌شود تا فشارهای دشمن بی‌نتیجه گشته و زمینه برای آینده‌ای آباد فراهم گردد:

اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن -از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱. همان، ۱۶- ۵- ۹۱.

۲. همان، ۳- ۵- ۹۱.

نباید فراموش نمود که اقتصاد در دیدگاه اسلامی با همه اهمیتی که دارد، از حد ابزار خارج نیست. یعنی نباید اقتصاد اسلامی را با اقتصاد غربی و سرمایه‌داری در تعریف و هدف مشترک دانست. در نظام سرمایه‌داری سود هرچه بیشتر و ثروت هرچه انبوه‌تر، ارزش و سعادت بیشتر قلمداد می‌شود، اما اقتصاد در مجموعه جهان‌بینی اسلامی ابزاری است برای برطرف کردن نیازهای انسانی در جهت نیل به اهداف والای الهی و سعادت واقعی. بر همین اساس می‌توان تفاوت اساسی نظام اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری را دخالت ربوبیت و اراده تشریحی الهی در عرصه اقتصادی دانست.<sup>۱</sup> این بدین معناست که اقتصاد از منظر اسلام باید در چهارچوب عقل و شرع قرار بگیرد تا بتواند به هدف مدنظر از این مقوله نائل شد.

## ۲. سبک زندگی

سبک زندگی مفهوم نسبتاً جدیدی است که ابتدا در مغرب زمین بررسی شد و در ادامه موضوع بررسی دانشمندان رشته‌های گوناگون در سراسر دنیا شد. لذا بحث از آن مجال زیادی می‌طلبد. برای پرهیز از اطاله کلام و پرداختن به موضوع اصلی نوشتار به کلامی از مقام معظم رهبری در این زمینه بسنده می‌شود. ایشان در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی می‌فرماید:

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم... این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی

۱. احمدعلی یوسفی، الگوی آزادی اقتصادی انسان‌محور بر اساس مبانی اسلامی.

است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. (۲۳/۰۷/۱۳۹۱)

### ۳. مؤلفه‌های سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی

#### ۳.۱. جهاد اقتصادی

قبل از هرچیز باید نگرش یک ایرانی متعهد به همه مسائل و از جمله اقتصاد اصلاح گردد. نگاه ایدئولوژیک و جهان‌شمول به مقوله‌هایی همچون اقتصاد می‌تواند اهمیت راهبردی بسیاری مسائل ساده را تبیین کند. نماز، یعنی یکی از فردی‌ترین روابط انسانی است که وقتی صورت اجتماعی به خود بگیرد و جماعت ادا شود، ارزش بی‌نهایت بیشتری پیدا می‌کند؛ به ما می‌فهماند که مسلماً همین نسبت در دیگر روابط انسانی نیز قابل حدس است.

با این توضیح می‌توان به راحتی پذیرفت که اولین قدم در راه اقتصاد مقاومتی آن است که روابط مالی را یکی از ابعاد فراگیر مفهوم مقدس «جهاد» دانست و بلکه از مهم‌ترین اقسام آن برشمرد. ایرانیان متعهد و انقلابی‌های مسلمان باید بپذیرند که جهاد با اموال، امروزه مهم‌ترین قطعه پازل جهاد بوده و بی‌تردید این پازل تکمیل نخواهد شد مگر آن که هرکدام از ما، از رسالت تاریخی خود در این بخش غفلت نکرده و به وظیفه خود عمل نماید.

جالب است بدانیم که در قرآن کریم، هرچا سخن از جهاد آمده است، جهاد اقتصادی نیز تذکر داده شده و پیشاپیش گونه‌های مختلف جهاد مورد سفارش و تشویق واقع شده است. به این چند آیه نگاه کنید:

سوره صف آیات ۱۰ و ۱۱:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

در این آیه پس از آن که خدای سبحان مؤمنین را به تجارتي پرسود دعوت می‌کند. (به روح معنایی «تجارت» که مفهومی اقتصادی است توجه ویژه کنید.) عناصر تشکیل دهنده

ان تجارت دو چیز است: الف: ایمان به خدا و رسول. ب: جهاد در راه خدا. اما جالب این است که جهاد اقتصادی بر جهاد با جان (که بارزترین مصداقش شهادت در راه خداست) مقدم داشته شده است. چرا؟ من نمی‌دانم. اما هر چه هست در اهمیت فوق‌العاده آن است. شاید هم به این خاطر باشد که جهاد اقتصادی، جهادی است همیشگی، اما جنگ و جهاد نظامی مخصوص زمان‌های خاص است؛ به تعبیر دیگر: جهاد نظامی عنوان آخرین حلقه تشکیل دهنده عنصر فطری دفاع است و به تعبیر علامه طباطبائی انسان وقتی برای دفاع دست به اسلحه می‌برد که راه دیگری نداشته باشد:

دفاع مردم از منافع حیاتی خود و حفظ استقامت وضع زندگی، سنتی است فطری که (چه این آیه بفرماید و چه نفرماید) در میان مردم جریان دارد، هرچند که این سنت فطری هم منتهی به خدای تعالی می‌شود. اوست که آدمی را به چنین روشی هدایت کرده، چون می‌بینیم که انسان را مانند سایر موجودات مجهز به جهاز و ادوات دفاع نموده، تا به آسانی بتواند دشمن مزاحم حش را دفع دهد، و نیز او را مجهز به فکر کرده، تا با آن به فکر درست کردن وسایل دفع، و سلاحهای دفاعی بیفتد، تا از خودش و هر شأنی از شئون زندگی که مایه حیات و یا تکمیل آن و تمامیت سعادت او است دفاع کند. البته دفاع با قتال، آخرین وسیله دفاع است و وقتی به آن متوسل می‌شوند که راه‌های دیگر به نتیجه نرسد، مانند آخرین دواء که همان داغ کردن است.<sup>۱</sup>

اما سود این جهاد چیست؟ جالب است که بدانیم نتیجه و سود این جهاد نیز از سنخ خود تجارت است؛ یعنی پس از مغفرت الهی (که به تنهایی نتیجه درخشان و بزرگ هرگونه رابطه با خداست)، باغ‌هایی با آب فراوان، خانه‌هایی پاک و سرشار از آرامش، چیزهای دوست داشتنی دیگر!، یاری خدا و پیروزی و... به عنوان سود سرشار این جهاد اقتصادی برشمرده شده است.

۱. محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ص ۳۸۵.



نساء: ۹۵

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾؛ آن دسته از مؤمنانی که مشکلی ندارند اما از جهاد، گریزان بوده و در خانه نشستند، با جهادگرانی که با مال و جان در راه خدا به جهاد برخاستند، برابر نیستند، خداوند جهادگران به مال و جان را بر جهادگريزان خانه نشين به درجه‌ای خاص برتری بخشیده است. (گرچه) خداوند به همگان وعده نیکو داده است (اما) جهادگران را بر جهادگريزان به پاداشی سترگ، برتری بخشیده است.

انفال: ۷۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند.

توبه: ۲۰

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾؛ آنان که ایمان آورده‌اند و هجرت کرده‌اند و در راه خداوند با مال و جان خود، جهاد ورزیده‌اند، نزد خداوند بلند پایگاه‌ترند و آنانند که رستگارند.

توبه: ۴۱

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید این برای شما بهتر است اگر بدانید!

نکته جالب در آیه بعد، این است که منافقین کسانی‌اند که تنها وقتی پایه جهاد می‌شوند که بازدهی سود، کوتاه مدت و زود باشد، یعنی از دوراندیشی نسبت به نتایج و دست‌آوردهای جهاد (اعم از نظامی، اقتصادی و...) غافل بوده و بلکه چه بسا باور نداشته

باشند: ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكُمْ...﴾<sup>۱</sup>

### حجرات: ۱۵

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند آن‌ها راستگویانند.

تنها در آیه ۱۱۱ سوره توبه «اموال» بعد از «جان‌ها» آمده است و البته تعبیری متفاوت دارد: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که: ) در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!

به همین خاطر است که امام صادق ۷ یکی از اصحاب خود را طلبیده و به وی ۱۷۰۰ دینار طلا داده تا برایش با آن تجارت کند. اما خاطر نشان می‌سازند: هرچند از به دست آوردن شادمان می‌شوم، اما علت درخواست این تجارت، نه به دست آوردن سود که توجه به فواید نفس الامری آن است و خدا را شاهد بگیرم که من هم در این امر سهمی دارم.<sup>۲</sup> این نشانگر آن است که نفس شرکت در جهاد اقتصادی از نگاه حضرتش مطلوبیت ذاتی دارد. در جای دیگری به ارث گذاشتن «مال صامت» یعنی پول نقد را تقبیح کرده و توصیه می‌کنند، باید

۱. در سوری توبه آیات متعدد دیگری با همین مضمون وجود دارد مانند آیات ۴۴، ۸۱، ۸۸ و...

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳.

سرمایه را به شکل باغ و بوستان در آورد.<sup>۱</sup>

با این بیان روشن می‌شود، جهادی فکر کردن و جهادی زیستن تأثیر مستقیمی در سبک زندگی و به‌ویژه مقوله اقتصاد دارد و پیش از هرگونه اقدامی در راستای اصلاح سبک زندگی و نیز ترویج مقاومت اقتصادی باید این تفکر را تبیین، ترویج و گسترش داد.

### ۲.۳. اصلاح الگوی مصرف

وقتی سخن از الگو می‌شود، یک سیستم همه‌جانبه به ذهن می‌رسد. یعنی باید مجموعه منسجمی از رفتارهای ایجابی و سلبی را در نظر گرفت که از پشتوانه عقلی و منطقی محکمی برخوردار باشد و از طرف دیگر تمام ابعاد و زوایای آشکار و پنهان مقوله مد نظر را پوشش دهد. بر این پرداختن صرف به مسئله اسراف و ذکر آیات و احادیثی در مذمت این پدیده، اصلاحی در زمینه الگوی مصرف به دست نمی‌دهد. این سخن به این معنا نیست که از سهم عمده اسراف و تبذیر در مصرف غلط جامعه ما غافل گردیم. حتی می‌توان گفت جلوگیری از اسراف را مرادف با اصلاح الگوی مصرف دانست. اما در این راستا باید نهادهای فکری و اجرایی جامعه به شناسایی مصادیق اسراف و تبذیر در انواع و گونه‌های مختلف و متعددش بپردازند و نیز راه کارهای اجرایی و عملیاتی در مقابله با آن، دقیقاً تبیین و پیشنهاد گردد. با این تعریف می‌توان نقش دولت (به معنای عام آن) را مهم‌تر، اساسی‌تر و فوری‌تر دانست. زیرا اصلاح الگوی مصرف در حقیقت اصلاح فرهنگ است و باید دانست که فرهنگ سازی‌ها معمولاً از نوک هرم آغاز می‌گردد. مجموعه این اقدامات را «مدیریت مصرف» می‌نامیم؛

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه اسراف و زیاده‌روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است.

فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه اول و بیش از همه مسئولیت دارد، هم دستگاه‌های دیگر مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمانِ علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم، این قدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی‌اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود. در گزارشهای شماها من خواندم، حالا هم بعضی از دوستان اظهار کردند که دولت درصدد صرفه‌جوئی است و میخواهد صرفه‌جوئی کند؛ بسیار خوب، این لازم است؛ این را جدی بگیرید. دولت خودش یک مصرف‌کننده بسیار بزرگی است. شما از بنزین بگیرید تا وسائل گوناگون، یک مصرف‌کننده بزرگ، دولت است. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جوئی کنید.<sup>۱</sup>

در این جریان آرام و ملایم مدیریت مصرف، لازم نیست که هر روز در برنامه‌های تلویزیونی یا روزنامه و مجلات و کتاب‌ها از بدی و عقاب اسراف گفت. مردم مؤمن این مرز و بوم هم بدان اعتقاد دارند و هم هرجا اسراف صریحی دیده حتی الامکان از آن دوری می‌کنند. اسراف‌هایی که امروز صورت می‌گیرد، بیشتر ناشی از اسراف ندانستن اسراف‌هاست. مثلاً خیلی از مردم وقتی چراغی را ببینند بی‌جهت روشن است آن را خاموش می‌کنند که اسراف نشود، اما همین فرد بدون جهت چندین لیتر را صرف جابه‌جا شدن خود از نقطه‌ای به نقطه دیگری در شهر می‌کند درحالی که نیازی بدان نیست، یعنی با استفاده از وسائط نقلیه عمومی از هدر رفتن این سرمایه می‌توان جلوگیری کرد. اقداماتی که در این راستا می‌تواند صورت بگیرد عبارتند از:

با فراهم کردن امکانات و آسان‌سازی دسترسی به وسائط نقلیه عمومی؛

تبلیغ استفاده از این امکانات؛

برجسته کردن هزینه‌های ناشی از عدم استفاده از این امکانات؛

این بسته پیشنهادی، راه‌کاری است که خودبه‌خود ارتکاب اسراف را کمتر کرده و بدیهی است که نقش مسئولین در این مجموعه اقدام، زیربنایی‌تر است.

### ۲.۱ - ۳. مدیریت مواد غذایی

در منزل همه ما ایرانی همیشه مقدار زیادی مواد غذایی مانند نان، برنج، گوشت و... یافت می‌شود. برای نگه‌داری این مواد مجبور به استفاده از وسایل برقی پرمصرفی مانند یخچال، فریزر و مانند آن هستیم. خدا نکند که شایعه‌ای خبر از کمبود چیزی مانند گوشت هم پخش بشود که در این صورت فریزر بزرگ خانه هم جواب‌گوی احتیاجات ما نخواهد بود. این حالت توصیفات نگران‌کننده‌تری هم دارد اما بهتر است به همین مقدار بسنده کنیم و تبعات این عادت بد را بازگو کنیم.

احتکار این مواد در منازل خود عاملی است برای گرانی و افزایش قیمت و البته رفتن سود نه به جیب کشاورز و تولیدکننده که به جیب دلال. این احتکار عمومی علی‌رغم نقش به‌سزایی که در گرانی و در نتیجه اسراف پول و قدرت خرید ایفا می‌کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. زیرا به کمی احتکار در هر خانه چندان به چشم نمی‌آید اما توجه داشته باشید که هرچند به‌طور متوسط در هر خانه بیش از ۵۰ کیلو نیست، اما شما همین مقدار کم احتکار را اگر در ده‌ها میلیون خانواده ایرانی ضرب کنید، بزرگی و نقش تعیین‌کننده‌اش را به دست خواهید آورد.

موادی مانند گوشت نیازمند یخچال و فریزر هستند. این وسایل که متأسفانه به‌خاطر همین روحیه احتکار طلبی (مخصوصاً در زمان‌ها شایعه) روز به روز هم بزرگتر می‌شوند اسراف عمده‌ای در مصرف برق و در نتیجه هزینه‌هایی چون خرید دستگاه، قبض برق، تعمیر و... در پی دارد. این در حالی است که اگر به فلسفه وجودی این وسایل که نگه‌داری کوتاه مدت از مواد غذایی فاسد شونده است دقت شود، دستگاه‌های کوچک آن جواب‌گوی نیازهای اکثر خانواده‌های ما و مخصوصاً زوج‌های جوان (که بزرگتر خریدن در بین اینان رواج بیشتر دارد) خواهد بود.

در اثر نگاه‌داری بلند مدت مواد غذایی در منازل، بسیاری از آنان فاسد شده و دور ریخته می‌شوند.

در اثر نگاه‌داری بلند مدت، این مواد، خاصیت غذایی خود را از دست داده و بیماری‌ها و هزینه‌هایی از این دست به اسراف ما اضافه می‌گردد.

این‌ها نمونه‌هایی از اسراف که به خاطر یک الگوی غلط رخ می‌دهد می‌باشد. هرکس با کوچک‌ترین تأملی می‌تواند بدان پی ببرد و چه بسا با مقداری فکر و مطالعه بیشتر آثار و تبعات فراوان‌تری برای آن قابل ذکر باشد. حمام رفتن، ظرف شستن، جارو کردن خانه، نوع مصرف کاغذ و کتاب، مصرف پوشاک و... مقوله‌های دیگری است همه جای تأمل فراوان دارد، اما چه کسی لااقل در سال اصلاح الگوی مصرف و بعد از آن به آن‌ها پرداخته است. آیا تا به حال در رسانه‌های مختلف کشور ما کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مقوله‌ها شده است؟

## ۲.۲ - ۳. مدیریت مصرف دارو

هنگامی که بیمار می‌شویم و نیاز به درمان پیدا می‌کنیم بدون درنگ، به پزشک مراجعه کرده و تا داروهای متعددی مصرف نکنیم خیالمان راحت نمی‌شود. این درحالی است که مصرف دارو، هرچند سبب بهبودی عضوی شود، اما مسلماً عوارضی دارد که این نکته در روایات اسلامی نیز مورد تذکر واقع شده است.<sup>۱</sup> به همین خاطر طبق آموزه‌های اسلامی تا وقتی که بیماری شدت نگرفته لزومی در مورد مصرف دارو مشاهده نمی‌شود و اگر کسی چنین کند به نوعی اسراف مرتکب شده است. بلکه می‌توان آن را بدترین نوع اسراف دانست؛ زیرا هم اسراف در مال است و هم اسراف در جسم. به این روایات دقت شود: **لَا يَتَدَاوَى الْمُسْلِمُ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ**<sup>۲</sup> تا وقتی بیماری بر سلامتی غلبه نکرده، (یعنی حال عمومی شخص خوب باشد) مسلمان به مداوا اقدام نمی‌کند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۵، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۶۲۱.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش، ص ۶۲۰.

نیز در نهج البلاغه آمده است: اَمَشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ<sup>۱</sup>؛ تا وقتی بیماری با تو کنار می‌آید (زیاد موجب اذیت نشده است)، با آن کنار بیا. در روایت دیگری به طور معمول سه روز جهت کنار آمدن با بیماری مناسب دانسته شده است. یعنی اگر بیماری بیش از سه روز ادامه پیدا کرد، آن وقت نوبت مراجعه به پزشک و مصرف دارو می‌رسد.<sup>۲</sup>

در پایان این بحث دو نکته را به عنوان تکمیل بحث یادآور می‌شویم:  
نکته ۱: مدیریت مصرف، گاه اقتضا می‌کند که در راستای جلوگیری از اسراف خرید بیشتری داشته باشیم. به طور نمونه باید گفت که در روایات تأکید شده است که انسان پوشاک متعدد داشته باشد به نحوی که اگر لباس‌های فاخر مجلسی را روزانه بر تن کنیم خود نوعی اسراف شمرده شده است.<sup>۳</sup>

این روش در سیره امام خمینی رحمته الله علیه هم قابل مشاهده است. عروس حضرت امام نقل می‌کند ایشان دم‌پایی‌های متعددی داشتند: یکی برای روی فرش، یکی برای حیاط، یکی برای دستشویی، دیگری برای حمام و... وقتی به ایشان گفتیم شما که می‌گویید اسراف نکنید این تعداد زیاد دم‌پایی اسراف نیست؟ ایشان فرموده بودند: خیر، بلکه به عمر مصرف این‌ها اضافه می‌شود.<sup>۴</sup>

نکته ۲: اصلاح الگوی مصرف معنی مهم دیگری نیز دارد که عبارت است از اولویت سنجی نیازها؛ بسیاری از افراد در مدیریت هزینه‌های زندگی اولویت سنجی نمی‌کنند. این که نیاز واقعی فرد و خانواده در نظر گرفته شود، خود باعث جلوگیری از هدررفت بسیاری از خریدهای غیرضروری می‌شود که خریده شده اما به دلیل عدم نیاز به گوشه

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۲.
۲. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص: ۲۰۳.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۶۲.
۴. فاطمه طباطبائی، اقلیم خاطرات، اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳۲.

افکنده شده و یا جایگاهی بهتر از سطل زباله پیدا نکرده است. به این ترتیب باید فرهنگ انتخاب الگوی مناسب، بر اساس نیازسنجی و رتبه‌بندی نیازها در جامعه رواج یابد. در این خصوص اگر در هنگام درجه‌بندی نیازها نیم‌نگاهی هم به آموزه‌های دینی باشد، می‌توان منتظر نتایج بسیار درخشانی باشیم. مدیریت هزینه در زندگی شخصی پیامبر گرامی اسلام ﷺ نمونه خوبی برای الگوبرداری و راه‌نمای بی‌بدیلی در پیدا کردن روش اولویت‌سنجی است. به‌طور نمونه می‌توان به این نکته اشاره کرد که هزینه استعمال عطر در زندگی پیامبر ﷺ از هزینه خوراک ایشان بیشتر بود<sup>۱</sup> و همین نکته را هم در هنگام ازدواج حضرت زهرا<sup>۲</sup> با امیرالمؤمنین علیه السلام به این دو سفارش کردند.

### ۳.۳. قناعت

قناعت به معنای اجتناب از مواهب الهی نیست که خالق این نعمت‌ها تأکید می‌کند: چه کسی شما را از روزی پاک ممنوع کرده است: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾<sup>۳</sup> بلکه قناعت بدین معناست که اگر دستمان به متاعی نرسید برایش جزع و فزع نکنیم و یا اگر چیزی از کفمان خارج شد غصه دار نشویم: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾<sup>۴</sup> به تعبیر بهتر قناعت راه‌کار و ابزاری است برای حفظ و صیانت از عزت و کرامت انسان که علی علیه السلام فرمود: «ثمره القناعة العز». <sup>۵</sup> با این توصیف به نظر می‌رسد نیازی

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹، ص ۱۹۵.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، اول، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۴۶؛ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام: لَمَّا زَوَّجَ فَاطِمَةَ عَلِيًّا عَلَىٰ أَرْبَعِمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَمًا فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله أَنْ يَجْعَلَ ثَلَاثِيهَا فِي الْعِطْرِ وَ ثَلَاثًا فِي الثِّيَابِ.

۳. اعراف: ۳۲.

۴. حدید: ۲۳.

۵. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، اول، تهران، دارالحدیث، ۱۴۱۶، ص ۲۶۳۸.



به توضیح بیشتر درباره نقش قناعت در اقتصاد مقاومتی نباشد مخصوصاً این که در محبت اصلاح الگوی مصرف اشاره‌ای به موضوع هم گردید.

### ۳.۴. توجه به نقش ایمان و تقوا در توسعه و اقتدار اقتصادی (برکت)

در جهان بینی توحیدی، همه کارها برای خدا و در جهت اهداف الهی صورت می‌گیرد و از این هدف، برکت می‌گیرد. توضیح این که طبق سنت الهی هرگونه تلاشی در دنیا بدون نتیجه نمی‌ماند. به تعبیر قرآنی، خدای سبحان به هرگونه تلاشی مدد می‌رساند: ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾<sup>۱</sup> هر یک را از عطاء پروردگارت مدد می‌کنیم، اینها را (دنیاگرایان) و آن‌ها را (خداگرایان)، و عطاء پروردگارت منعی نیست. اما آنچه مسلم است، مدد الهی نسبت به دو جریان کلی بشریت بی تفاوت نیست. شهید مطهری<sup>۱</sup> در این باره می‌نویسد:

جهان، سرزمین مستعدّ و مناسبی است برای کاشتن و رویدن و رشد کردن و درو کردن، بستگی دارد به این که انسان چه بذری برای رشد و پرورش انتخاب کند و چه محصولی بخواهد به دست آورد؛ هر بذری انتخاب کند همان بذر عینا در مزرعه مستعدّ و مناسب این جهان رشد داده می‌شود.

اما، یک حمایت مخصوص از برای اهل حقیقت هست که رحمت رحیمیّه نامیده می‌شود؛ دنیا طلبان از این رحمت محرومند، زیرا خواهان آن نیستند. بنابراین حسن فعلی برای پاداش اخروی عمل کافی نیست، حسن فاعلی هم لازم است؛ حسن فعلی به منزله تن و حسن فاعلی به منزله روح و حیات است.<sup>۲</sup>

ممکن است در این جا سوالی پیش آید که یعنی آیا دو تلاش همسان می‌تواند تنها به خاطر نیت فاعلی (الهی) در نتیجه متفاوت باشند؟ قبل از پاسخ مفصل به این سؤال بد

۱. اسراء: ۲۰.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، اول، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۳۰۷.

نیست روایت شیرینی از امام صادق علیه السلام بیان شود، تا زحمت توضیح مطلب کمتر گردد. ایشان می‌فرمایند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحُمَمِيِّ لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ﴾<sup>۱</sup>؛ خدای عزوجل در انسان‌های سفیه را رزق زیادی می‌دهد تا عاقلان دریابند که امور دنیوی این‌طور نیست که تنها با کار و چاره‌اندیشی به دست می‌آیند!

اما توضیح این‌که: مسلماً اسلام و قرآن کریم جریان اسباب و سامانه علت و معلول را در نظام طبیعت به رسمیت می‌شناسد: (أَمْرُهُ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا)<sup>۲</sup> اما این‌طور نیست که انسان از همه اسباب و علل آگاه باشد. نیز اطلاعی از خنثی‌کننده‌های اسباب و همچنین از تشدیدکننده علل ندارد و یا کمتر دارد. به‌طور نمونه، قرآن کریم وقتی می‌خواهد مسلمین را در جنگ بدر بر کفار پیروز گرداند، تصرفی در دیدگان دو طرف میدان کرده و کفار را در چشم مسلمان اندک نشان می‌دهد تا روحیه خویش را از دست ندهند و مسلمین را نیز زیاد به چشم کفار نمی‌آورد تا از تهیه سازوبرگ کافی خودداری کنند: ﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَیْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾<sup>۳</sup>.  
برای عدم اطاله کلام به همین مقدار از توضیح اکتفا می‌کنیم و به منظور نتیجه‌گیری، تأکید می‌شود که:

الف) اقتصاد مقاومتی، امری جهادی و الهی و در نتیجه مستحق پاداش اخروی محسوب می‌شود به شرطی که در انجام آن، به جهت معنوی و الهی آن توجه شود.  
ب) این توجه معنوی به دلیل هماهنگی با نظام آفرینش، (مانند شناگری که در جهت آب شنا کند) موجب برکت و پایداری اقتصاد نیز خواهد شد همانگونه که خدای سبحان فرموده است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾؛ و اگر اهل

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۸

۲. طلاق: ۳

۳. انفال: ۴۴

شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم.<sup>۱</sup> نیز فرموده است: (وَ أَنْ لَوْ اِسْتَقَامُوا عَلٰی الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا)؛ و اگر انس و جن بر طریق حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد.<sup>۲</sup>

مستحب است مشتری پس از هر معامله‌ای اذکاری خاص بر زبان جاری کند؛ به امید آن‌که به فضل الهی این وجیزه، بهای ناقابلی برای خرید رحمت الهی باشد آن را بر زبان جاری می‌کنم؛ امید است که بر برکتش بیفزاید: **الله اکبر؛ الله اکبر؛ الله اکبر؛ اشهد ان لا اله الا الله؛ اشهد ان محمداً عبده و رسوله؛ اللهم اني اشتريته التمس فيه من فضلك فاجعل لي فيه فضلاً، اللهم اني اشتريته التمس فيه رزقاً فاجعل لي فيه رزقاً.**<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح در این نوشتار به دست می‌آید که جهاد و رویارویی با دشمنان راه حق ابعاد مختلفی دارد و هر روز لباس خاصی بر تن می‌کند. این موضوع می‌طلبد که دفاع همه‌جانبه ملی را در تمام ابعادش مخصوص جولانگاه مهم اقتصاد مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد. اگرچه میدان اقتصاد همیشه میدان مهیایی برای تلاش‌های شیطانی دشمنان بوده است و به همین خاطر فوری‌ترین جهاد از منظر قرآن جهاد اقتصادی است، اما امروزه این عرصه نقش اول را در رویارویی تاریخی حق و باطل ایفاء می‌کند به نحوی که اصلاً در قرن بیست و یک توان‌مندی‌های اقتصادی و کنترل نظام تولید، عرضه و مصرف کالاهای اقتصادی ملاک قدرت شمرده می‌شود. در اقتصاد مقاومتی فرا خواهیم گرفت که این مهم را در مبادلات خود مد نظر قرار دهیم و با نگرشی اعتقادی به این مقوله به وظایف ملی و

۱. اعراف: ۹۶.

۲. جن: ۱۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ص ۵۱.

مذهبی خود عمل کنیم. با این توصیف دانسته می‌شود که اقتصاد مقاومتی از لوازم و ابزار پیشرفت محسوب شده و با ریاضت اقتصادی که درمان اورژانسی مشکلات و بحران‌های اقتصادی است تفاوت اساسی دارد. بنابراین ضرورت دارد که در این راستا فرهنگ‌سازی شود که ما به دوازده راه‌کار کاربردی آن اشاره کرده‌ایم. به نظر نویسندگان، تبیین بُعد اعتقادی و جهادی این عرصه در درجه اول، و توجه به جایگاه بی‌بدیل اقتصاد مقاومتی در دفاع ملی، مهم‌ترین و ضروری‌ترین اولویت‌ها در این رابطه شمرده می‌شود و پس از آن است که پذیرش مصرف تولیدات داخلی و ملی آسان خواهد شد و هر چه از نقش شرکت‌های دانش بنیان و نیز قناعت یا اصلاح الگوی مصرف و حمایت از سرمایه ایرانی و مانند آن صحبت کنیم، ملال آور نخواهد بود و نتایج درخشانی به دست خواهد داد.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. صحیفه سجادیه.

۲. آمدی عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.

۳. ابن فهد حلی احمد بن محمد، عده الداعی، اول، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

۴. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، سوم، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، غفاری علی اکبر، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۶. أنصاری مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۱، اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.

۷. بجنوردی سید حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، اول، قم، الهادی، ۱۴۱۹.

۸. بحرانی سید هاشم، البرهان، ج ۲، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۹. حرانی ابن شعبه، تحف العقول، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۱۰. محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه، ج ۳، اول، تهران، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.

۱۱. سایت دانشگاه علوم پزشکی تهران: [siuco.tums.ac.ir](http://siuco.tums.ac.ir).

۱۲. شریف رضی محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

۱۳. شهید ثانی زین الدین بن علی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية ج ۳، اول، قم، داوری، ۱۴۱۰ق.

۱۴. صدوق محمد بن علی، خصال، ج ۲، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۱۵. صدوق محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

۱۶. طباطبائی فاطمه، اقلیم خاطرات، اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۹۰ش.

۱۷. طباطبائی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۱۸. عاملی شیخ حر، وسائل الشیعة، ج ۱۷، اول، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ق.

۱۹. عیاشی محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۱، اول، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.

۲۰. فتال نیشابوری محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، اول، قم، رضی، ۱۳۷۵ش.

۲۱. کاظمی حسن، فرهنگ کار و همت مضاعف، فصلنامه کوثر، سال دهم، ش ۳۶، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱۳، اول، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۲۳. مجلسی محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۸، دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، اول، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۵. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، اول، صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. مکارم شیرازی ناصر، القواعد الفقهيہ، ج ۲، سوم، قم، مدرسه امیرالمؤمنین ۷، ۱۴۱۱ ق.
۲۷. موسوی خمینی سیدروح الله، صحیفه امام خمینی ۱، ج ۱۹، اول، تهران، مؤسسه تنظیم نشر، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. نجفی موسی، عرفان، مرجعیت و سیاست، اول، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۲۹. نوری طبرسی حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، اول، قم، مؤسسه آل البيت:، ۱۴۰۸ ق.